

فهرست

۷

مروری بر قواعد عربی دوره ی اول متوسطه

۱۱

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

۲۳

الدَّرْسُ الثَّانِي الْمَوْاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

۳۶

سؤالات امتحان میان نوبت اول

۳۹

الدَّرْسُ الثَّالِثُ مَطَرُ السَّمَكِ

۵۲

الدَّرْسُ الرَّابِعُ التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

۶۵

سؤالات امتحان نوبت اول

۶۸

الدَّرْسُ الْخَامِسُ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ

۸۳

الدَّرْسُ السَّادِسُ ذُو الْقَرْنَيْنِ

۹۷

سؤالات امتحان میان نوبت دوم

۱۰۰

الدَّرْسُ السَّابِعُ يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ

۱۱۸

الدَّرْسُ الثَّامِنُ صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارْسِيِّ

۱۳۴

سؤالات امتحان نوبت دوم

مروری بر قواعد عربی دوره‌ی اول متوسطه

فعل و انواع آن

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در زمان گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

فعل ماضی: انجام کاری یا روی دادن حالتی را در زمان گذشته نشان می‌دهد.  ذَهَبْتُ: رفتم / ذَهَبْتَ: رفتی / ذَهَبْتُ: رفتی

فعل مضارع: نشانگر انجام کار یا داشتن حالتی در زمان حال و آینده است.  أَذْهَبُ: می‌روم / تَذْهَبُ: می‌روی / تَذْهَبِينَ: می‌روی

فعل منفي: فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود.  مَا ذَهَبْتُ: نرفتم / لَا أَذْهَبُ: نمی‌روم

فعل مستقبل (آینده): با افزودن «سَ» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود و فقط بر زمان آینده دلالت می‌کند.

 سَأَذْهَبُ: خواهم رفت / سَتَذْهَبُ: خواهی رفت / سَتَذْهَبِينَ: خواهی رفت

فعل امر: فعلی است که انجام دادن کاری را از مخاطب می‌خواهد.  اِذْهَبْ: برو / اِذْهَبُوا: اذهبوا، اذهبوا، اذهبوا: بروید

فعل نهی: فعلی است که مخاطب را از انجام کاری باز می‌دارد.  لَا تَذْهَبْ: لا تذهبی، لا تذهبی، لا تذهبی: نرو / لَا تَذْهَبُوا: لا تذهبوا، لا تذهبوا، لا تذهبوا: نروید

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی و ترجمه‌ی آن‌ها بیشتر آشنا شویم:

نام صیغه‌ها به فارسی و عربی	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	كَتَبْتُ: نوشتم	أَكْتُبُ: می‌نویسم	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ أَنْتِ	كَتَبْتَ: نوشتی كَتَبْتِ: نوشتی	اُكْتُبْ: بنویس اُكْتُبِي: بنویس	لا تَكْتُبْ: ننویس لا تَكْتُبِي: ننویس
سوم شخص مفرد	او	هُوَ هِيَ	كَتَبَ: نوشت كَتَبَتْ: نوشت	يَكْتُبُ: می‌نویسد تَكْتُبُ: می‌نویسد	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	كَتَبْنَا: نوشتیم	نَكْتُبُ: می‌نویسیم	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ أَنْتُنَّ أَنْتُمَا أَنْتُنَّمَا	كَتَبْتُمْ: نوشتید كَتَبْتُنَّ: نوشتید كَتَبْتُمَا: نوشتید كَتَبْتُنَّمَا: نوشتید	اُكْتُبُوا: بنویسید اُكْتُبْنَ: بنویسید اُكْتُبَا: بنویسید اُكْتُبَانِ: بنویسید	لا تَكْتُبُوا: ننویسید لا تَكْتُبْنَ: ننویسید لا تَكْتُبَا: ننویسید لا تَكْتُبَانِ: ننویسید
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ هُنَّ هُمَا هُنَّ	كَتَبُوا: نوشتند كَتَبْنَ: نوشتند كَتَبَا: نوشتند كَتَبَتَا: نوشتند	يَكْتُبُونَ: می‌نویسند يَكْتُبْنَ: می‌نویسند يَكْتُبَانِ: می‌نویسند يَكْتُبَانِ: می‌نویسند	

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص و اشیا به کار می‌رود.

اسم مذکر: هر اسمی که بر جنس نر دلالت کند، مذکر است. اسم‌های غیرانسان هم که نشانه‌ی «ة، ة» ندارند، غالباً مذکرند.

 الرَّجُلُ: مرد / الْأَبْنُ: پسر / التِّلْمِيزُ: دانش آموز / الشَّجَرُ: درخت / الْجَبَلُ: کوه / الصَّف: کلاس / الْبَيْتُ: خانه

اسم مؤنث: اسمی است که بر جنس ماده دلالت می‌کند. اسم‌های غیرانسان که نشانه‌ی «ة، لة» دارند نیز مؤنث به شمار می‌آیند.

المرأة: زن / البنات: دختر / التلميذة: دانش‌آموز / الشجرة: درخت / اللوحة: تابلو / الحديقة: باغ

مفرد، مثنی و جمع

مفرد: اسمی که نشانگر یک فرد یا یک چیز است.

الوالد: پسر / الگرسى: صندلی / الطفل: کودک / النافذة: پنجره / القرية: روستا / الحديقة: کیف

مثنی: اسمی است که بر دو فرد یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد: «ان» و «ین».

الطالبان، الطالبین: دو دانش‌آموز / الطائران، الطائرتین: دو هواپیما

جمع: اسمی است که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و عبارت است از:

جمع مذکر سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مذکر «ون» یا «ین» بیفزاییم، جمع مذکر سالم به دست می‌آید.

صادق: ون، ین ← صادقون، صادقین / مسرور: ون، ین ← مسرورون، مسرورین

جمع مؤنث سالم: هرگاه به آخر اسم مفرد مؤنث «ات» اضافه کنیم، جمع مؤنث سالم ساخته می‌شود.

طالبة: ات ← طالبات / مَدْرَسَة: ات ← مَدْرَسَات / فائزة: ات ← فائزات

جمع مکسر: جمع برخی از اسم‌ها مکسر (شکسته) است؛ یعنی شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند.

طالب، طالب / مِفْتَاح، مَفَاتِیح / کُتُب / طِفْل، أَطْفَال / عِثْرَة، عِثَر / رَجُل، رِجَال

اسم‌های اشاره

مفرد	«هَذَا: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مذکر» است.
	«ذَلِكَ: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مذکر» است.
	«هَذِهِ: این» اسم اشاره به نزدیک برای «مفرد مؤنث» است.
	«تِلْكَ: آن» اسم اشاره به دور برای «مفرد مؤنث» است.
مثنی	«هَٰذَانِ: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مذکر» است.
	«هَٰتَانِ: این دو، این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «مثنای مؤنث» است.
جمع	«هَٰؤُلَاءِ: این‌ها، این» اسم اشاره به نزدیک برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.
	«أُولَٰئِكَ: آن‌ها، آن» اسم اشاره به دور برای «جمع‌های مذکر و مؤنث» است.

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ نَاجِحٌ. این مرد، پزشکی موفق است. ذَلِكَ، بُسْتَانٌ جَمِيلٌ. آن، باغی زیباست.

هَذِهِ نَافِذَةٌ خَشَبِيَّةٌ. این، پنجره‌ای چوبی است. تِلْكَ الْعُرْفَةُ، نَظِيفَةٌ. آن اتاق، پاکیزه است.

هَٰذَانِ، طَالِبَانِ مَسْرُورَانِ. این‌ها دو دانش‌آموز خوشحال هستند. هَٰتَانِ اللُّوحَتَانِ، غَالِيَتَانِ. این دو تابلو، گران هستند.

هَٰؤُلَاءِ الْأَبْنَاءُ، رِیَاضِيُونَ. این پسران، ورزشکار هستند. أُولَٰئِكَ، نِسَاءٌ مُجَاهِدَاتٌ. آن‌ها، زنانی رزمنده‌اند.

کلمات پریشنی

«هَلْ وَا: آیا» در پاسخ مثبت به آن‌ها «نَعَمْ» به معنای «بله» و در جواب منفی «لا» به معنای «نه، خیر» را به کار می‌بریم.

هَلْ كَتَبْتَ وَاجِبَاتِكَ أُمْسٍ؟ آیا دیروز تکالیفت را نوشتی؟

نَعَمْ؛ كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي أُمْسٍ. بله دیروز تکالیفم را نوشتم. / لَا؛ مَا كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي أُمْسٍ. خیر دیروز تکالیفم را ننوشتم.

● **فرق «هل» و «أ»:** ← حرف «هل» را فقط در جمله‌های مثبت و حرف «أ» را در جمله‌های مثبت و منفی به کار می‌بریم.

هَلْ اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوست دریافت کردی؟ (درست)

هَلْ مَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوست دریافت نکردی؟ (نادرست)

أَسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوست دریافت کردی؟ (درست)

أَمَا اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً مِنْ صَدِيقِكَ؟ آیا نامه‌ای از دوست دریافت نکردی؟ (درست)

● **«مَنْ»: چه کسی؟ چه کسانی؟** ← کلمه‌ی پرسشی «مَنْ» برای پرسش از شغل یا نام افراد به کار می‌رود.

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُمَرِّضٌ. او کیست؟ - او پرستار است. / مَنْ أَنْتَ؟ - نَحْنُ لَاعِيتَانِ. شما کیستید؟ - ما بازیکن هستیم.

● **«لِمَنْ»: مال چه کسی؟ مال چه کسانی؟** ← کلمه‌ی «لِمَنْ» برای پرسش از مالکیت اشیا به کار می‌رود، در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی

می‌توانیم با «لِ» به معنای «مال، برای» شروع کنیم؛ مانند: لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ؟ - لِمُحَمَّدٍ. این خودرو از آن (مال) کیست؟ - مال محمد.

● **«ما»: چه، چه چیز، چیست** ← برای پرسش درباره‌ی چیزهای گوناگون به کار می‌رود.

ما هَذِهِ؟ - هَذِهِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ. این چیست؟ - این جایزه‌ای طلایی است. / ما ذَلِكَ؟ ذَلِكَ مِفْتَاحٌ. آن چیست؟ - آن کلید است.

کلمه‌ی پرسشی «ما» به شکل «ماذا: چه چیز»، «ما هو: چیست» و «ما هي: چیست» نیز به کار می‌رود؛

ماذا عَلَى الْمِنْضَةِ؟ - كِتَابٌ كَبِيرٌ. روی میز چیست؟ - کتابی بزرگ / ما هُوَ شُغْلُ نَاصِرٍ؟ - بَيْعُ الْكُتُبِ. شغل ناصر چیست؟ - کتاب فروشی

● **«أَيْنَ»: کجا** ← کلمه‌ی پرسشی «أَيْنَ» برای سؤال در مورد مکان به کار می‌رود. در پاسخ به آن از کلمات «فِي: در / عَلَى: بر، روی / تَحْتَ: زیر / أَمَامَ: روبه‌رو / خَلْفَ: وراء: پشت / جَنْبَ: کنار / عِنْدَ: نزد / حَوْلَ: اطراف / فَوْقَ: بالای، روی / بَيْنَ: میان / هُنَا: این جا / هُنَاكَ: آن جا / عَلَى اليمين: سمت راست / عَلَى اليسار: سمت چپ» استفاده می‌شود؛ مانند: أَيْنَ الْبَقَرَةُ؟ - خَلْفَ الشَّجَرَةِ. گاو ماده کجاست؟ پشت درخت. / أَيْنَ قَلْمُكَ؟

عَلَى الْمِنْضَةِ. قلمت کجاست؟ - روی میز.

● **«مِنْ أَيْنَ»: هرگاه بخواهیم از کسی بپرسیم «اهل کجا هستی» از «مِنْ أَيْنَ» استفاده می‌کنیم؛**

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا إِيرَانِيٌّ. تو اهل کجا هستی؟ - من ایرانی هستم.

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - نَحْنُ مِنْ لُبْنَانِ. شما اهل کجا هستید؟ - ما لبنانی هستیم.

● **«كَمْ»: چند، چقدر** ← در پاسخ به این کلمه‌ی پرسشی از اعداد اصلی بهره می‌گیریم؛

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - تِسْعَةُ طُلَّابٍ. چند دانش‌آموز داخل کلاس هستند؟ - نه دانش‌آموز.

كَمْ قَلَمًا عِنْدَكَ؟ - عِنْدِي أَحَدٌ عَشَرَ قَلَمًا. چند قلم داری؟ - یازده قلم دارم.

● **«لِمَاذا»: برای چه؟** ← از «لِمَاذا» برای پرسش از علت انجام کار استفاده می‌شود.

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «لِمَاذا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای این که» یا «لِ: برای» شروع کنیم؛

لِمَاذَا مَا جَاءَ صَدِيقُكَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ - لِأَنَّهُ كَانَ مَرِيضًا. چرا دوستت به مدرسه نیامد؟ - زیرا او مریض بود.

لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟ - لِشُرَاءِ الْقَمِيصِ. برای چه به بازار رفتی؟ - برای خریدن پیراهن.

● «مَتَى»: چه وقت؟ چه موقع؟

در پاسخ به کلمه‌ی پرسشی «مَتَى» کلمات زیر می‌آیند که بر زمان دلالت دارند:

«الْيَوْم: امروز / أَمْسٍ: دیروز / غَد: فردا / صَبَاح: صبح / لَيْل: شب / نَهَار: روز / قَبْلَ سَنَتَيْنِ: دو سال پیش / مَسَاء: شب، بعدازظهر / فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي: در ماه گذشته / فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ: در هفته‌ی آینده / ...»

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - قبلَ يَوْمَيْنِ. 

مَتَى تَبْدَأُ الْإِمْتِحَانَاتُ؟ - فِي شَهْرِ خَرَدَاد. 

فَنَترجمه

۱. هرگاه اسم بعد از اشاره بدون «ال» بیاید، آن اسم اشاره طبق صیغه‌ی خود ترجمه می‌شود. 

هَذَا طَالِبٌ (این دانش آموز است). هَؤُلَاءِ طُلَّابٌ. (این‌ها دانشجو هستند). 

۲. هرگاه اسم بعد از اشاره همراه «ال» باشد، آن اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود. 

هَؤُلَاءِ الطُّلَّابُ مُجْتَهِدُونَ. (این دانش آموزان، کوشا هستند). 

۳. در جمله‌هایی که فعل مفرد به کار رفته در حالی که فاعل (انجام دهنده‌ی) آن، اسم مثنی یا جمع باشد، فعل به صورت جمع ترجمه می‌شود. 

يَخْرُجُ اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمَسَابِقَةِ. دو بازیکن از میدان مسابقه بیرون رفتند. 

رَجَعَتْ أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. خواهرانم از خانه‌ی پدر بزرگم برگشتند.

۴. گاهی کلمه‌ی «عِنْدَ: نزد» یا «لِ: برای» برای مالکیت به کار می‌روند. 

لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿خدا نام‌های نیکو دارد. عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ی بزرگی دارید. 

۵. فعل «كَانَ» گاهی پیش از فعل مضارع می‌آید و معادل «ماضی استمراری» در فارسی می‌شود. 

كَانَ التَّلْمِيذُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ فِي الْمَكْتَبَةِ. دانش آموز تکالیفش را در کتابخانه می‌نوشت. 

كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ. دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می‌خواندند.

السَّائِقُ كَانَ يَسْتَعِیْلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظَّهْرِ. راننده از صبح تا ظهر کار می‌کرد.

الأعداد

الأعدادُ الْأَصْلِيَّةُ	واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَةٌ	أَرْبَعَةٌ	خَمْسَةٌ	سِتَّةٌ	سَبْعَةٌ	ثَمَانِيَةٌ	تِسْعَةٌ	عَشْرَةٌ	أَحَدُ عَشَرَ	إِثْنَا عَشَرَ
	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده
الأعدادُ التَّرتِيبِيَّةُ	الأوَّلُ	الثَّانِي	الثَّالِثُ	الرَّابِعُ	الخَامِسُ	السادسُ	السَّابِعُ	الثَّامِنُ	التَّاسِعُ	الْعَاشِرُ	الحَادِي عَشَرَ	الثَّانِي عَشَرَ
	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ

السَّبْتُ	الأَحَدُ	الأَثْنَيْنِ	الثُّلَاثاءُ	الأَرْبَعاءُ	الخَمِيسُ	الْجُمُعَةُ
شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَالْثَامِنِ وَالْتَّاسِعِ

الف عَيِّن تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

- | | | | |
|---|--|-----------|------------------|
| ۱ | الْغَيْمُ بِمَعْنَى السَّحَابِ. | ابر | باران |
| ۲ | التَّعَارُفُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدِينَةِ. | یاری کردن | آشنایی با همدیگر |
| ۳ | عُصُونُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ جَمِيلَةٌ. | برگها | شاخهها |
| ۴ | الشَّرَرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. | ستارهها | اخگر (پارهی آتش) |
| ۵ | ضِيَاءُ الْقَمَرِ مِنَ الشَّمْسِ. | تاریکی | روشنایی |
| ۶ | حَدِّقْنَا ذَاتَ الْأَشْجَارِ الْمُخْتَلِفَةِ. | دارای | ندارد |
| ۷ | أوراقُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ نَضْرَةٌ. | پژمرده | تروتازه |
| ۸ | الشَّمْسُ جَذُوْتُهَا مُسْتَعِرَةٌ. | پراکندگی | پارهی آتش |
| ۹ | أَنْعَمَ اللَّهُ مِنْهُمْ دَائِمًا. | ریزان | فروزان |

ب كَمِّلِ التَّرْجَمَةَ.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ: أَنْ، هِمَانِ خَدَاسَتْ.

- | | |
|---|--|
| أَنْظُرْ لِنَبْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ | به آن درخت دارای تر و تازه |
| كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَيَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ | چگونه از دانه‌ای؟ و چگونه درختی |
| فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ | جست‌وجو کن و بگو چه کسی را از آن |
| وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذُوْتُهَا مُسْتَعِرَةٌ | و به خورشیدی که آن است بنگر. |
| فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ | در آن هست و با آن گرمای هست. |
| مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ | چه کسی آن را در هوا مانند؟ |
| ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَ مِنْهُمْ | آن همان خدایی است که نعمت‌هایش است. |
| ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ | دارای دانش و نیروی است. |
| أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ | به شب نگاه کن؛ چه کسی را در آن |
| وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ / كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ | و آن را با ستارگانی مانند پراکنده، زینت داد. |
| وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ / أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ | و به نگاه کن؛ چه کسی بارانش را از آن |

ج عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (✓) (✗)

۱) الْقَيْمُ بُخَاَزَ فِي الْجَوِّ لَيْسَ فِيهِ مَطَرٌ. ۲) لَيْسَتْ عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ نَضِرَةً.

۳) الشَّمْسُ مِنْ أَكْظَمِ الْكُرَاتِ وَ حَرَارَتُهَا تَنْتَشِرُ فِي الْعَالَمِ. ۴) ضِيَاءُ الْقَمَرِ مِنَ الْأَرْضِ وَ ضِيَاءُ الْأَرْضِ مِنَ الشَّمْسِ.

در کتاب هفتم و هشتم و نهم با انواع فعل‌های عربی و فارسی و ساختار آن‌ها آشنا شدیم؛ یک بار دیگر با مرور پیش‌آموخته‌ها، خود را می‌آزماییم.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ اكْمِلِ التَّرْجَمَةَ.

جواب: گفت‌وگو

الْتَعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ: در نجف اشرف.

زائر مَرَقِدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زائر مرقد امیر مؤمنان علی علیه السلام	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ: یکی از کارمندان در فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ: سلام بر شما.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. و سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي: ای برادرم، صبح به خیر.	صَبَاحَ النَّورِ وَ السُّرُورِ: صبح و شادی به خیر.
كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چگونه است؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم و تو؟
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. الحمد لله، خوبم.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ببخشید، اهل کجایی؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. من از جمهوری اسلامی ایران هستم.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم بزرگوارت چیست؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم حسین است و اسم شریف شما چیست؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. اسم عبدالرحمان است.
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟ آیا تاکنون به ایران مسافرت کردی؟	لَا، مَعَ الْأَسَفِ، لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه ولی من دوست دارم که
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانٍ: اگر خدا بخواهد، به ایران مسافرت می‌کنی.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ: إِلَى اللَّقَاءِ: مَعَ السَّلَامَةِ. اگر خدا بخواهد؛؛ به سلامت.
فِي أَمَانٍ اللَّهِ. خداحافظ.	فِي أَمَانٍ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. ای دوستم، خداحافظ و در پناه او.

تعارُف: آشنایی / مَطَار: فرودگاه / قَاعَة: سالن / مَعَ الْأَسَفِ: متأسفانه / أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

الْتَّمِرِينَ

الْتَّمِرِينَ الْأَوَّلُ الف صَغِ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هؤلاء الصَّادِقُونَ / هاتانِ الْمَرْأَتَانِ / هؤلاءِ التَّلَامِيذُ / هذانِ الْفِتَاحَانِ / أولئكِ الْمُدَرِّسَاتُ / تِلْكَ الشَّجَرَةُ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....					

ب أَكْتُبُ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

الكلمات	الوزن	الحروف الأصلية
سامع، مَسْمُوع، سَمِيع	 / /	
سَجَاد، سُجُود، مَسْجِد	 / /	
تَحْسِين، إِحْسَان، أَحْسَن	 / /	

الْتَّمِيزُ الثَّانِي عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى.

١	تُقَاح	زَمَان	مِشْمِش	خَسْب
٢	مَطْعَم	مَضْع	مَوْضِع	مُسْتَشْفَى
٣	الْفَرِيق	الشَّمْس	الْكَوْكَب	الْقَمَر
٤	الْعَمُود	الْمَطَر	الْغَيْم	الرَّيْح
٥	كَيْفَ	مَتَى	جَنْبَ	أَيْنَ
٦	مَطَار	مُمَرِّض	مُوظَّف	طَيَّار
٧	عُصْفُور	حَمَامَة	فَاكِهَة	عُرَاب

الْتَّمِيزُ الثَّالِثُ صَغُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- الدُّخَانُ ١
 - الْجَامِعَةُ ٢
 - النَّارُ ٣
 - الشَّرَزَةُ ٤
 - الدُّرُزُ ٥
 - الْغَيْمُ ٦
 - الضَّاعِقَةُ ٧
- نتيجة احتراق الخشب وغيره. ☐
- الشيء الذي يبعد عن النار. ☐
- مكان للتعليم العالي بعد المدرسة. ☐
- بخار متراكب في السماء ينزل منه المطر. ☐
- قطعة من النار. ☐
- كهرباء تنزل من السماء مع الرعد. ☐

الْتَّمِيزُ الرَّابِعُ

الف تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ١ الدَّرُزُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
 - ٢ أَوْجَدَ اللَّهُ الشَّمْسَ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً.
 - ٣ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ.
 - ٤ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ التَّمْرَةَ مِنَ الْأَشْجَارِ.
- / / /
- / / /
- / / /
- / / /

ب تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ۱ ما كَتَبْنَا وَاجِبَاتِنَا. ۲ سَوْفَ نَخْرُجُ مِنَ الْقَاعَةِ.
- ۳ سَيَشْرِبُونَ شَايًا. ۴ عَرَفُوا ذَلِكَ الرَّجُلَ.
- ۵ اِلْعَبُوا كُرَّةَ الْقَدَمِ. ۶ لَا تَشْرَبِي هَذَا الْمَاءَ.
- ۷ يُسَاعِدُونَ الْآخَرِينَ. ۸ كَتَبَنَ الْوُجُوبَاتِ بِدَقَّةٍ.
- ۹ كَانَ يَكْتُبُ دَرَسَهُ. ۱۰ لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلَ.
- ۱۱ لَا أَجْلِسُ عَلَى الْمِنَصْدَةِ. ۱۲ هِيَ مَا نَجَحَتْ فِي الْإِمْتِحَانِ.
- ۱۳ أَبْدَأُ دَرْسِي بِاسْمِ اللَّهِ. ۱۴ اِزْجِعَا إِلَى الْبَيْتِ.

ج عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ۱ ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
- الف) و در خلقت آسمان و زمین فکر می کنند و امی گویند [پروردگارا، این را بیهوده نیافریدی.
- ب) و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و امی گویند [پروردگارا، این ها را بیهوده نیافریدی.
- ۲ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾
- الف) ستایش از آن خدایی است که آفریننده ی آسمان ها و زمین است و تاریکی و نور را قرار داد.
- ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفریده است و تاریکی ها و روشنایی را قرار داد.
- ۳ ﴿وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي حَذُوتُهَا مُسْتَعِرَةٌ.
- الف) و به خورشیدی که پاره ی آتش آن فروزان است بنگر.
- ب) و به خورشیدی می نگرم که پاره ی آتش آن فروزان است.

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسَ

الف أَجِبْ جَوَابًا قَصِيرًا عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

- ۱ مَنْ أَنْتَ؟ ۲ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- ۳ كَيْفَ حَالُكَ؟ ۴ مَا اسْمُكَ؟
- ۵ أَيْنَ بَيْتُكَ؟ ۶ كَمْ صَفًّا فِي مَدْرَسَتِكَ؟

ب عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ۱ لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى الْمَكْتَبَةِ؟ لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ
- ۲ مَتَى يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟ مَتَى يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟
- ۳ بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟ بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟
- ۴ مَا هُوَ الشَّهْرُ الْخَامِسُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟ مَا هُوَ الشَّهْرُ الْخَامِسُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟
- لِشْرَاءِ الْكُتُبِ لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ
- فِي الْحَرِيفِ فِي الرَّبِيعِ
- بِالطَّائِرَةِ مَعَ أُسْرَتِهِمْ
- مُرْدَادَ شَهْرِيور

ج رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوَالاً وَ جَوَاباً.

١ سافرت / لا: مع الأسف / حتى الآن / إلى إيران / هل . / ؟

٢ صفوف / كم / سنة / في المرحلة الابتدائية / صفًا . / ؟

٣ صديقك / في / شاهدت / قاعة المطار / أين . / ؟



٢ ماذا تفعل هذه البنت؟

هي تكتب واجبها.

هي تقرأ القصة.



د عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١ كم الساعة؟

الثامنة إلا ربعاً.

الثامنة و الربع.

التمرين السادس عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.

١ هو الله الذي الثمرات من الأشجار.

٢ يا زميلتي، إلى نزول المطر بدقة.

٣ أيها الناس أن الله يحبكم.

٤ نحن إلى بستان قبل ثلاثة أيام.

٥ المسلمون من القرآن أشياء كثيرة.

٦ هؤلاء الفلاحون محصول المزرعة أمس.

٧ ذاك هو الله الذي لنا أنعماً منهمرة.

٨ نحن إلى بلادنا في السنة القادمة.

٩ يا بنات، من جليسات السوء.

يخرج

أنظر

اعلموا

سندهب

تعلموا

ما حصدا

ساعد

رجعنا

أهربي

يُعلم

أنظري

اعلم

ذهبنا

تعلم

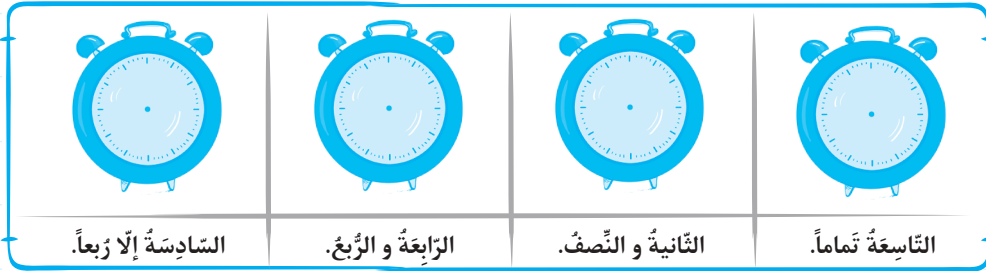
حصدوا

أوجد

سنرجع

أهزبن

التمرين السابع أَرْسُمْ عَقَارِبِ السَّاعَةِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً.

الرَّابِعَةُ وَالرُّبْعُ.

الثَّانِيَةُ وَالنِّصْفُ.

التَّاسِعَةُ تَمَاماً.

التمرين الثامن أَلِفْ اكْتُبْ مُتَرَادِفَ أَوْ مُتَضَادَّ كُلِّ كَلِمَةٍ أَمَامَهَا.

نور / سكت / حبيب / قبح / حُزب / شغل / مسرور / مجتهد / شراء / استلم / كواكب / جلوس

قيام / دفع / مهنة / ضياء / مجدد / حزين / حُسن / صديق / أنجم / بيع / صلح / تكلم

مجدد / حزين / حُسن / صديق / أنجم / بيع / صلح / تكلم

قيام / دفع / مهنة / ضياء / مجدد / حزين / حُسن / صديق / أنجم / بيع / صلح / تكلم

ب عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ.

صَعْبٌ / بُغْتَةٌ / كَتَمَ / صُعُودٌ / حَيَاةٌ / سَهْلٌ / مَمْنُوعٌ / جَمِيلٌ / نُزُولٌ / سَتَرَ / مَسْمُوحٌ / قَبِيحٌ / فَجَاءَهُ / رَقَدَ / عَيْشٌ / نَامَ

	≠			=	
	≠			=	
	≠			=	
	≠			=	

التمرين التاسع | صُغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

الْخَمِيسِ / الْعِشَاءُ / الْأَصْلِيَّةُ / أُنْيَضُ / السَّنَةِ / اللِّسَانِ / الصَّحِيفَةُ / التَّرْتِيبِيَّةُ / وَجْهٌ / الْجَزَرُ

- ١) تَبْدَأُ وَالِدَتِي يَوْمَهَا بِقِرَاءَةٍ دَائِمًا.
- ٢) اَلدُّمُوعُ جَارِيَةٌ عَلَى الطِّفْلِ.
- ٣) فُصُولٌ أَرْبَعَةٌ وَ أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ سَبْعَةٌ.
- ٤) «التَّالِثُ» مِنَ الْأَعْدَادِ
- ٥) لَوْنُ الْغُرَابِ أَسْوَدٌ وَ لَوْنُ السَّحَابِ
- ٦) نَحْنُ نَأْكُلُ فِي اللَّيْلِ.
- ٧) إِنَّ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعْيُونِ.
- ٨) الْيَوْمَ السَّادِسُ فِي الْأُسْبُوعِ يَوْمٌ
- ٩) أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ
- ١٠) أَحَدَ عَشَرَ مِنَ الْأَعْدَادِ

التمرين العاشر | عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (X) (✓)

- ١) يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً فِضِيَّةً. ☐
- ٢) الْكَهْرَبَاءُ طَاقَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاةُ الصَّنَاعِيَّةُ. ☐
- ٣) «أَوَّلِيكَ» إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِلْجَمَاعَةِ الْقَرِيبَةِ مِنَّا. ☐
- ٤) الْمَطْعَمُ مَكَانٌ نَأْكُلُ فِيهِ الْفُطُورَ وَ الْغَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ. ☐
- ٥) الْمِلَفُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْأَوْرَاقِ الْإِدَارِيَّةِ. ☐
- ٦) قَاطِعُ الرَّجَمِ هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ لِمَزَارَةِ أَقْرَبَائِهِ. ☐

التمرين الحادي عشر | اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ١) ﴿لَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ٢) ﴿إِذْ جِئْتُ إِلَى رَبِّكَ﴾
- ٣) ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ...﴾
- ٤) سَوْفَ نَكْتُبُ وَاجِبَاتِنَا.
- ٥) اَلْعَدُوُّ لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ.
- ٦) اَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ.
- ٧) اَللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا نَعْمَلُونَ.
- ٨) أَيُّهَا الْأَوْلَادُ، لَا تَدْخُلُوا.
- ٩) لِمَاذَا مَا لَيْسَتْكُمْ مَلَاسِكُمْ؟

الْتَّمْرِينُ الثَّانِي عَشَرَ | صَغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً.

- ١ أولئك، لاعِبُونَ فائِزُونَ فِي الْمَسَابَقَةِ.
- ٢ أَلْيَوْمُ الثَّانِي مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمٌ
- ٣ هَذِهِ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ وَ صَارَتْ شَجَرَةً.
- ٤ لَوْنُ الْبَحْرِ وَ لَوْنُ الشَّجَرِ أَخْضَرُ.
- ٥ الْأَشْجَارُ فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ ذَاتِ الْعُصُونِ
- ٦ الْفَصْلُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الصَّيْفِ.
- ٧ وَ انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا

الْتَّمْرِينُ الثَّالِثُ عَشَرَ | أَلِ اكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

- ١ أَقْمَار: ٢ حَوَاسِب: ٣ تَلَامِيذ: ٤ أَسْنَان:
- ٥ أَنْجُم: ٦ حَقَائِب: ٧ رُؤُلَاء: ٨ جُنُود:
- ٩ أَبْنَاء: ١٠ أَسَابِيح: ١١ أَنْعُم: ١٢ حَدَائِق:
- ١٣ آبَاء: ١٤ عُصُون: ١٥ حَوَائِج: ١٦ ذُنُوب:
- ١٧ بَضَائِع: ١٨ تَمَائِل: ١٩ أَقْرِبَاء: ٢٠ شَوَارِع:

ب اكْتُبْ جَمَعَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

- ١ فُنْدُق: ٢ مَخْرَن: ٣ فَرِيق: ٤ مِصْبَاح:
- ٥ عُرْفَة: ٦ صَيْف: ٧ قَافِلَة: ٨ حَجَر:
- ٩ طَعَام: ١٠ كُرْسِي: ١١ فَكِيهَة: ١٢ مَرِيض:
- ١٣ مِفْتَاح: ١٤ خِرَانَة: ١٥ دُر: ١٦ وَرَق:
- ١٧ رِسَالَة: ١٨ صَدِيق: ١٩ مِهْنَة: ٢٠ وَلِي:

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ عَشَرَ | تَرَجِّمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- ١ أَلْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٢ أَلْدَّرَزُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٣ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ.
- ٤ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَّةً.
- ٥ أَلْعَيْمُ بَخَارٌ مُتَرَاكِمٌ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٦ الشَّرَرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٧ ابْحَثْ فِي الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.
- ٨ شَاهَدْتُ مَدْرَسِي فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ قَبْلَ أُسْبُوعٍ.

التمرین الخامس عشر | صُغ في الفراغ كلمة مناسبة، ثم ترجم الجمل إلى الفارسية. «كلمتان زائدتان».

الماء / من / المَخَزَن / الْجَزَر / مَمَرُ الْمَشَاة / السَّفِينَة

(هل تعلم أن ...)

۱ مساحة بين الرصيفين مع الخطوط الواضحة لمرور الناس؟

۲ يلعب دور (نقش) كبير في المحافظة على درجة الحرارة ونمو النباتات؟

۳ مفيد لتقوية العيون؟

۴ آمن بالله و اليوم الآخر وعمل صالحاً فلهم أجرهم عند ربهم؟

التمرین السادس عشر | اقرأ النص التالي ثم عيّن الصحيح و الخطأ حسب النص. (X) (✓)

حامد ولد ذكي و هو في الخامسة عشرة من العمر. في يوم من الأيام اشترى والده حاسوباً له و سمح له بالدخول في الإنترنت في أوقات الفراغ. بعد مدة سافر والده و والدته لمهمة إدارية لمدة يومين. جلس حامد خلف الحاسوب و لعب ساعات كثيرة و في اليوم التالي نهض في الساعة السابعة إلا ربعاً. كان حامد يشعر بالنوم في الصف.

۱ جلس حامد خلف الحاسوب و لعب ساعتين.

۲ سافر والده و والدته لمهمة إدارية لمدة شهرين.

۳ اشترى والد حامد حاسوباً له.

۴ كان حامد يشعر بالنوم في الصف في اليوم التالي.

ارزشیابی تکوینی درس اول

الف - مهارت ترجمه به فارسی (۷ نمره)	
۱	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ. ۱- أَنْظُرْ لِنَتِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ ۲- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ ۳- كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَحْدَهُ فِي عُرْفَتِهِ. ۴- إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا. ۵- عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ۶- أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ / أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
۰/۵	۲ إِنْخَبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الف) ستایش از آن خدایی است که آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین است و تاریکی و نور را قرار داد. ب) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و تاریکی و روشنایی را قرار داد. ۲- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ. الف) این کیست که آن را در هوا مانند پاره‌ی آتش پدید آورده است؟ ب) این کسی است که آن را در هوا مانند اخگر پدید می‌آورد.
۱/۵	۳ كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. ۱- فَايْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّمَرَةَ جست‌وجو کن و بگو میوه را از آن ۲- هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانِ؟ لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ لِكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. آیا به ایران سفر کردی؟ نه، ولی دوست دارم که ۳- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. ماه سیاره‌ای است که به دور زمین ؛ از خورشید است.
ب - مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره)	
۰/۵	۴ عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» المَوْتُ / الْجَذْوَةُ / الْوَحْدَةُ / الشَّرَرَةُ / الْحُسْنُ / الْجَمَاعَةُ ۱- ۲- ≠ ۳- ۴-

۵	ترجم الکلمات التي تحتها خطاً. أخذ الموظفون في قاعة المطار.	۰/۵
۶	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. ۱- مُتَحَفٌ مُمرّضة مُصْنَعٌ مُطَبَّعَةٌ ۲- أُسْبُوعٌ شهر سنة ساحة	۰/۵
۷	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. ۱- مَطَرٌ: ۲- مِهَنٌ:	۰/۵
ج - مهارت شناخت و کاربرد قواعد (۷/۵ نمره)		
۸	ترجم الکلمات التي تحتها خطاً. ۱- شَرِبْتُ الْمَاءَ. ۲- رَجَاءٌ، اُكْتُبُوا. ۳- لا يَسْمَعُ جَيِّدًا. ۴- كَانَ يَصْنَعُ. ۵- ما سَمِعْنَا صَوْتًا. ۶- سَأَكْتُبُ دَرْسِي. ۷- تَعَلَّمُ اللُّغَةَ. ۸- يَرْفَعُ الْعِلْمَ. ۹- سَوْفَ يَأْخُذُ جَائِزَةً. ۱۰- اِزْجِعْ إِلَى هُنَا. ۱۱- قَطَعْتُمْ خَشَبًا. ۱۲- لا تَكْذِبْ أَبَدًا.	۳
۹	ضَعِ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مَنَاسِبًا. ۱- يَا أَبْنَاءَ الطَّلَابِ، بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. ۲- قَالَ الْفَلَّاحُ لِأَخِيهِ: مِنْ مَرْزَعَتِي. ۳- أُولَئِكَ التَّلْمِيزَاتُ مِنَ الْمَسَابِقَةِ أَمْسٍ. ۴- كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ ۱- لا تَضْحَكْ لا تَضْحَكُوا أَخْرِجْ أُخْرِجِي رَجَعْنَ سَيَرْجِعْنَ يَذْرُسْ يَذْرُسُونَ	۱
۱۰	عَيِّنِ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ. ۱- اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ. ۲- سَأَكْتُبُ دَرْسِي.	۰/۵
۱۱	اجْعَلْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ» أَخْرِجْنِ / عَبَّرْتُم / مَا سَأَلْتُ / لَا تَزْرَعُونَ / لَا تَلْعَبِي / اُكْتُبْ ماضي منفي مضارع منفي امر نهي	۱
۱۲	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. ۱- اِزْخُمُوا أَخَذُوا اُكْتُبُوا إِسْمَعُوا ۲- يَصْنَعُ نَعْتِمِدُ تُخْرِجُ نَصْرُنْ	۰/۵

١٣	أرسم عقارب الساعة. ١- التَّاسِعَةُ والرُّبْعُ. ٢- الْعَاشِرَةُ والنِّصْفُ.	٥/٠
١٤	صُغْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. «اثنانِ زائدانِ» هُمَا لَاعِبَانِ / ذَلِكَ الْمُدَرِّسُ / هِيَ تَلْمِيْذَةٌ / هُوَ لَاءِ الْمُجْتَهِدُونَ / هَاتَانِ الْبُنْتَانِ / هُنَّ مَسْرُورَاتٌ مفرد مؤنث جمع مؤنث سالم مثنى مذكر جمع مذكر سالم	١
د - مهارة درك و فهم (٢ نمره)		
١٥	صُغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً». ١- الصُّومُ كَهَرَبَاءُ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ. ٢- الصَّحِيفَةُ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. ٣- الصَّاعِقَةُ الصَّدِيقُ الَّذِي مَعَنَا فِي صَفٍّ وَاحِدٍ. ٤- الرَّمِيلُ الْإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ لِأَدَاءِ فَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ. ٥- الْفُسْتَانُ	١
١٦	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيْحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيْحَةِ حَسَبَ الْحَقِيْقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (✓ ✗) ١- الشَّرْرَةُ قِطْعَةٌ مِنَ الظُّلْمَةِ. ٢- الْغَيْمُ بُخَارٌ مُتْرَاكِمْ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. ٣- الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيْخِيَّةِ. ٤- الرَّاسِبُ يَعْنِي الطَّالِبَ الْمُنَالِيَّ.	١
هـ - مهارة مكالمه (١/٥ نمره)		
١٧	أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ. ١- بِمَ تُسَافِرُ (تُسَافِرِينَ) إِلَى مَشْهَدٍ؟ ٢- كَيْفَ الْجَوُّ فِي الصَّيْفِ؟	٥/٠
١٨	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالاً وَ جَوَاباً. ١- فِي الصَّفِّ / فِي أَيِّ صَفٍّ / الْعَاشِرِ / أَنْتَ / ؟ ٢- نَعَمْ، عِنْدِي / الْعَرَبِيُّ / عِنْدَكَ / الْمُعْجَمُ / هَلْ / .	١

سوالات چهارگزینه‌ای درس اول

۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْفَرَاغِ. «مَنْ أُنْزِلَ مِنْ مَطَرًا؟»

- (۱) الْغَيْمِ (۲) الْمَاءِ (۳) الصَّاعِقَةُ (۴) الْبَيْتِرِ

۲- اجْعَلِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ فِي الْفَرَاغِ. «حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى السَّفَرِ.»

- (۱) دَلِيلِ (۲) شُرْطِيٍّ (۳) مَطَارِ (۴) قَاعَةِ

۳- عَيْنِ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يَنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْآخَرَى فِي النَّوعِ.

- (۱) لَا تَكْتُبَا (۲) لَا تُرْسِمِي (۳) لَا تَحْرُسُونَ (۴) لَا تَأْكُلُ

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «كَانَتْ أُمِّي تَطْلُبُ مِنِّي دَائِمًا أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَأَعْمَلَ بِوَاجِبَاتِي الْمُدْرَسِيَّةِ.»

- (۱) مادرم همیشه از من خواسته بود که درس‌هایم را بنویسم و تکالیفم را در مدرسه انجام دهم.
(۲) مادرم همیشه از من می‌خواست درس‌هایم را بنویسم و تکالیف مدرسه‌ام را انجام دهم.
(۳) مادرم همیشه از من می‌خواهد که درس‌هایم را بنویسم و تکالیف مدرسه‌ام را انجام دهم.
(۴) مادرم همیشه از من می‌خواست که درس‌هایم را بنویسم و تکالیفم را در مدرسه انجام دهم.

(تجربی ۹۵)

۵- «العبرة بالأفعال وَ لَيْسَتْ بِالْأَقْوَالِ.» عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

- (۱) گفتار بی‌کردار ضایع نماند.
(۲) به عمل کار برآید به سخندانی نیست.
(۳) دو صد گفته چون نیم کردار نیست / بزرگی سراسر به گفتار نیست
(۴) جهان یادگار است و ما رفتنی / به مردم نماند جز از گفتنی

(ریاضی ۹۳)

۶- «مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا.» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ.

- (۱) ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
(۲) سخندان پرورده پیر کهن / بیندیشد آن‌گه بگوید سخن
(۳) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَضَ الْكَلَامُ.
(۴) سخن تا نپرسند لب بسته دار / گهر نشکنی تیشه آهسته دار

(انسانی ۸)

۷- عَيْنِ الْخَطَا.

- (۱) أَنَا مُسْلِمَةٌ وَأَنْتِ مُؤْمِنَةٌ.
(۲) أَنْتِ مُعَلِّمَةٌ وَأَنَا عَالِمٌ.
(۳) أَنْتِ نَشِيطٌ وَأَنَا مُجْتَهِدٌ.
(۴) نَحْنُ مُتَعَلِّمَةٌ وَهِيَ مُعَلِّمَةٌ.

۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ.

(تجربی ۹۵)

«خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ.»

- (۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست.
(۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن خلقت، آیتی است مؤمنان را.
(۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنین است.
(۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله‌ی الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنین را.